

مؤسسہ فرہنگی فقہ الثقلین

قمار، مسابقات و سرگرمی

فقه و زندگی

۶

قمار، مسابقات و سرگرمی

برگرفته از نظریات فقهی مرجع عالیقدر
حضرت آیه الله العظمی صانعی مدظله العالی

انتشارات میثم تمار

قمار، مسابقات و سرگرمی

برگرفته از نظریات فقهی مرجع عالیقدر
حضرت آیه الله العظمی صانعی مدظله العالی

ناشر: انتشارات میثم تمار

تدوین: مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ زیتون

نوبت چاپ: هشتم / بهار ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۴۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم - خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۸

صندوق پستی ۵۵۷ / ۳۷۱۸۵ - تلفن: ۷۷۳۲۹۸۲ - نمابر: ۷۷۳۵۰۸۰

همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸

Email: m-tammar@noornet.net

فهرست مطالب

	مقدمه	۹
	معنای مسابقه	۱۳
۱۷	مسابقه با آلات قمار با گرو گذاری و عوض	
	الف. آیات	۱۹
	ب. روایات	۲۳
۲۵	مسابقه و بازی با ابزار و آلات قمار بدون عوض و گرو گذاری	
	قصور آیات	۲۶
	قصور روایات	۲۹
۳۳	مسابقه با غیر آلات قمار با عوض و گروگذاری	
	۱. اجماع	۳۷
	۲. صدق مفهوم قمار	۳۸
	۳. روایات	۴۱
	۴. آیات	۴۶
۶۳	مسابقه با غیر آلات قمار بدون عوض و گروگذاری	
	نتیجه	۶۷
	کتابنامه	۶۹

مقدمه

از هنگامی که بشر خود را در کنار دیگر هم‌نوعان خود دیده و ارتباط با دیگران را موجب آسایش و پیشرفت خود احساس کرده، قسمتی از عمر خود را در مسابقات، به‌طور مستقیم و غیر مستقیم، در گذشته و حال گذرانده است.

منشأ این کار، علاوه بر سرگرمی، تفریح، احیاناً خوشگذرانی، پر کردن وقت، کسب درآمد و گاهی تحصیل سودهای کلان مادی بوده است. چه بسا اگر مسابقه و حس برتری‌جویی و نمایاندن محاسن خویش بر دیگران نبود، پیشرفتی در زندگی بشر و رسیدن به امکانات، رفاه و آسایش کنونی حاصل نمی‌شد، و یا اگر می‌شد، چنین سرعتی نداشت. امروزه افراد، شرکت‌ها، مؤسسات خصوصی و دولتی و بالاتر از آن کشورها با توجه به همین مسأله است که روز به روز محصولاتی پیشرفته‌تر، دقیق‌تر و با امکانات بیشتر از آنچه دیگران تولید کرده‌اند به جوامع و استفاده‌کننده‌ها تقدیم می‌کنند. و در همین راستاست که هر از چند گاهی مسابقات علمی با جوایز ارزشمند، به منظور شناسایی نخبگان برگزار می‌شود.

به هر حال، زمانی این مسابقات در پرتاب سنگ و نیزه و یا شکار خلاصه می‌شد و کمی بعد به زور آزمایی، کشتی و دویدن و بعدها به تیراندازی، اسب سواری و... رسید، تا بالأخره انسان‌ها برتری خود را در خطاطی و سرعت و قدرت حافظه و... به رخ یکدیگر کشیدند؛ به طوری که در زمان حاضر، شمارش موارد مسابقات کاری آسان نخواهد بود.

امروزه در همه جای دنیا مسابقات برپا شده و همه انسان‌ها، متناسب با فرهنگ و اقلیم خود، پذیرا و مجری آن شده‌اند. این تعدد و تنوع، مبنای افکار و اهدافی غیر از آن چیزی است که بشر اولیه را بر انجام آن وامی‌داشت. امروزه انگیزه این برنامه‌ها صرف سرگرمی، تفریح، ورزش و یا وقت‌گذرانی نیست؛ که اهداف بزرگ سیاسی، فرهنگی و خصوصاً اقتصادی را در پی دارد، که درک آنها بر

کمتر کسی پوشیده است. چرا این گونه نباشد، در حالی که بخش وسیعی از برنامه‌های تلویزیونی، شبکه‌های ماهواره‌ای، روزنامه‌ها، مجلات و سایر وسایل ارتباط جمعی به این گونه امور اختصاص دارد. با کمی تأمل می‌توان دریافت که چه درآمدهای کلان و سودهای فراوانی از برپایی این مسابقات حاصل شده و چه مشاغل و کارهای دیگری - که فقط به برپایی این مسابقات وابسته هستند - ایجاد شده و به نحوی بسیاری از جوامع مختلف، پیر و جوان، زن و مرد، کودک و نوجوان از جوامع اسلامی گرفته تا غیر آن را مشغول خود ساخته است.

و از همه مهم‌تر این‌که در این میان، طیفی از متدینان، خواسته و ناخواسته، درگیر این برنامه‌ها شده‌اند، و همان‌طور که گفته شد، جوامع اسلامی نیز به عنوان واقعیتهای خارج از کنترل با آن مواجه‌اند و همین امر، صاحبان فرهنگ و متولیان دین را بر آن داشته که این مسأله را از منظر دین مورد کنکاش قرار داده، به بررسی آن از این دیدگاه بپردازند.

گفتنی است که ادیان نیز از تشویق به برپایی مسابقات فروگذار نکرده و به ترویج برخی آنها پرداخته‌اند. شتردوانی، تیراندازی، و اسبدوانی مورد تأیید دین اسلام قرار گرفته و روایات بر جواز آنها - چنان که خواهد آمد - بسیار است. در گذشته و حال سؤالاتی ذهن متدینان

و متشرعان از طرفی، و فقها و دانشمندان را،

به عنوان متولیان امور دینی ایشان، از طرفی دیگر، مشغول خود ساخته است. این سؤالات را، در میان نوشته‌ها و گفتارها، به خوبی، می‌توان یافت؛ سؤالاتی از قبیل:

۱. آیا حضور در محل برگزاری مسابقات و پرداختن پول بلیط جایز است؟ آیا این مسابقات از مصادیق لهو و لعب به شمار می‌آیند؟
۲. آیا مسابقات مورد تأیید و منصوص را می‌توان با تنقیح مناظ و توسعه ملاک، به ابزار و مسابقات متناسب امروزه گسترش داد و مثلاً

کُشتی، تکواندو، کاراته، موتور سواری، اتومبیل رانی و تیراندازی با سلاح‌های امروزی را با ملاک تقویت قوای روحی و دفاعی و آمادگی جنگی با اسب دوانی و تیراندازی سنجید؟

۳. آیا درآمد به دست آمده (گروگذاری و شرط بندی) از این مسابقات حرام است؟

۴. اگر این مسابقات اهدافی غیر از برنامه‌های اقتصادی داشته باشند، چه؛ مثلاً برنامه‌هایی چون گسترش و تبلیغ فرهنگ ملل اسلامی یا تقویت بنیه علمی افراد و یا شناسایی نخبگان و رسیدگی به امور آنها؟

۵. مسابقاتی مانند حفظ و قرائت قرآن و... چه حکمی دارند؟

۶. آیا به نظر نمی‌رسد ذکر تیراندازی، شتردوانی و اسب سواری در روایات از باب ذکر مصادیق و نمونه باشد و با تغییر شرایط مصادیق و نمونه‌ها تغییر کند؟

۷. آیا با ابزار و آلاتی که قمار بازی می‌کنند، می‌توان فقط برای سرگرمی بازی کرد؟

۸. آیا با ابزار و آلاتی که در زمان حاضر وسیله قمار شده‌اند، ولی در زمان‌های گذشته اثری از آنها نبوده، می‌توان برای سرگرمی بازی کرد؟

۹. اگر اصل مسابقات و شرط بندی و گروگذاری در آنها نامشروع است چگونه است که در عرف جوامع متدین و متشرع همیشه پابرجا بوده، ولی منع خاصی از طرف علما و بزرگان صورت نپذیرفته است؟! آیا این بزرگان چاره‌ای بر این مسائل اندیشیده بوده‌اند یا خیر؟ ما به این سؤالات و سؤالات دیگر در این موضوع از دیدگاه مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صانعی - ادام الله ظلّه - پاسخ خواهیم داد. نگرشی نو از منظر فقه پویا متناسب با تغییر شرایط و با تکیه بر آرا و نظریات سلف صالح، و برگرفته از کتاب، سنت و عقل - ان شاء الله.

معنای مسابقه

مسابقه از ریشه «سَبَقَ»، به معنای پیش افتادن و سبقت گرفتن است^۱

۱. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۸۱۸.

و اصل مفهوم پیشی گرفتن و رقابت در همه چیز در آن نهفته است.^۲ در قرآن و روایات، ماده «سبق» و مشتقات آن به همین معنا و مفهوم به کار برده شده است.

در سوره یوسف این چنین می‌خوانیم :

(إِنَّا ذُهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتْعَانَا)؛^۳

ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم، و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم.
و در آیه‌ای دیگر از همین سوره می‌بینیم :

(وَاسْتَبَقَا الْبَابَ)؛^۴

و هردو به سوی در دویدند.

و در سوره «یس» می‌خوانیم :

(فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ)؛^۵

سپس برای عبور از راه، می‌خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند.
لسان العرب به نقل از الازهری می‌گوید :

استباق در آیه اول به معنای تیراندازی و در آیه دوم به معنای جلو افتادن در رسیدن به هدف

و در آیه سوم به معنای رد شدن، پشت سر گذاشتن و عبور است که معنا و مفهوم مسابقه

و مفهوم پیشی گرفتن در دو آیه اول کاملاً

مشهود است.^۶

^۲ . لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۱.

^۳ . سوره یوسف، آیه ۱۷.

^۴ . سوره یوسف، آیه ۲۵.

^۵ . سوره یس، آیه ۶۶.

^۶ . لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۲.

البته در سوره «بقره» می‌خوانیم :

(فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ)؛^۷

در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید.
که به معنای شتاب کردن و سرعت است.
از دیگر کاربردهای این ریشه در قرآن عبارت‌اند از :

(فَالسَّبِقَاتِ سَبَقًا)؛^۸

و سپس بر یکدیگر سبقت می‌گیرند.

(لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)؛^۹

اگر فرمان سابق خدا نبود (که بدون ابلاغ، هیچ امتی را کیفر ندهد)،
به‌خاطر چیزی (اسیرانی) که گرفتید، مجازات بزرگی به شما می‌رسید.

(وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)؛^{۱۰}

و (سومین گروه) پیشگامان پیشگام‌اند، آنها مقرَّبان‌اند.

کاربرد این واژه به این معنا و مفهوم در

روایات فراوان بوده، که به بررسی آنها خواهیم نشست.

در اصطلاح فقه «سَبَقُ» به عقدی اطلاق می‌شود

که به منظور پیشی گرفتن و غلبه بر دیگری

در موارد تعیین شده از طرف شارع در مقابل چیزی که به برنده

تعلق خواهد گرفت با حفظ شرایط آن منعقد می‌گردد.

۷. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۸. سوره نازعات، آیه ۴.

۹. سوره انفال، آیه ۶۸.

۱۰. سوره واقعه، آیه ۱۰ و ۱۱.

به طور کلی، فقهای بزرگی چون مرحوم شیخ انصاری^{۱۱} و به تبع آن،
مرحوم سید احمد

خوانساری^{۱۲} و مرحوم آقای خویی^{۱۳} کلیه

مسابقات را به چهار گروه تقسیم کرده و از این مجرا به بررسی
احکام آن پرداخته اند :

۱. مسابقه با آلات قمار با عوض و گرو،
۲. مسابقه با آلات قمار بدون عوض و گرو،
۳. مسابقه بدون آلات قمار با عوض و گرو،
۴. مسابقه بدون آلات قمار و بدون عوض و گرو، یعنی مطلق مغالبه و مسابقه.

مسابقه با آلات قمار با گرو گذاری و عوض

بعضی از اهل لغت گفته اند :

القمار رهن الشيء على اللّعب بشيء من الآلات المعروفة؛^{۱۴}

قمار عبارت است از بازی با آلات معروفه همراه با گرو گذاری و عوض.
که مرحوم شیخ انصاری؛ در مکاسب به آن اشاره کرده است.^{۱۵}

حرمت لعب و مسابقه با آلات قمار بین

¹¹ . المكاسب المحرمة، شیخ انصاری؛، ص ۴۷.

¹² . جامع المدارك فی شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۷.

¹³ . مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۶۸.

¹⁴ . مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۶۳.

¹⁵ . المكاسب المحرمة، ص ۴۷.

علمای اسلام (خاصه و عامه) اجماعی است؛

چنان که مرحوم علامه؛ در منتهی المطلب فرموده و فقط شافعی را در بازی با شطرنج مخالف این اجماع می‌داند.^{۱۶}

و نیز مرحوم شهید ثانی؛ در مسالك الافهام می‌نویسد :
مذهب الاصحاب تحرم اللعب بآلات القمار كلها، من الشطرنج و النرد
والاربعة عشر و غيرها. و وافقهم على ذلك جماعة من العامة منهم
ابوحنيفة و مالك و بعض الشافعية؛^{۱۷}

روش فقهاتی علمای مذهب (شیعه) به گونه‌ای است که بازی با کلیه ابزار
و آلات قمار را حرام می‌دانند و بر این مسأله، رأی موافق جماعتی از
عامه مثل ابوحنیفه و مالك و بعضی از شافعیه همراه آنان است.
مرحوم شیخ انصاری؛ هم فرموده است :
و لا اشكال في حرمتها و حرمة العوض و الاجماع عليها تحقق و
الاجبار به متواترة؛^{۱۸}

هیچ حرف و اشکالی متوجه حرمت این قسم

از بازی‌ها و حرمت عوض آنها نیست و اجماع بر آن محقق شده و اخبار در
مورد آن متواتر است.

و نیز سید احمد خوانساری؛ می‌نویسد :
اللعب بآلات القمار مع الرهن و لا اشكال في حرمة العوض
للاجماع و الأخبار؛^{۱۹}

هیچ حرف و اشکالی متوجه حرمت بازی با آلات قمار با عوض و گرو گذاری

¹⁶ . منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، کتاب التجارة، ص ۱۰۱۲.

¹⁷ . مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، ج ۱۴، ص ۱۷۶.

¹⁸ . المكاسب المحرمة، ص ۴۷.

¹⁹ . جامع المدارك فی شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۷.

در آنها نیست؛ همچنین است حکم عوض آنها. و دلیل بر آن، اجماع و اخبار است.

الف. آیات

در کتب فقهی آیات دلالت کننده بر حرمت این قسم از مسابقات را این گونه می آورند :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ
الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؛²⁰

ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی بخت آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید) خودداری خواهید کرد؟! مرحوم علامه؛ در منتهی المطلب می فرماید :

و فی هذه الآية دلالة على تحريم الخمر و القمار من عشرة اوجه؛²¹

و این آیه بر حرمت خمر و قمار به ده وجه دلالت دارد.

البته هیچ اشاره ای به این وجوه نمی کند، ولی آنها را می توان این گونه بر شمرد :

۱. رجس: پلید است.
۲. من عمل الشیطان: از عمل شیطان است.
۳. فاجتنبوه: از آنها دوری کنید.
۴. مجاورت و مقارنت میسر با خمر (شراب)

و انصاب (بتپرستی) که هر دو حرمتشان قطعی می باشد.

۵. لعلمک تفلحون: تا رستگار شوید.

۶. انما یرید الشیطان أن یوقع بینکم العداوة: شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار در میان شما عداوت ایجاد کند.

²⁰ . سوره مائده، آیه ۹۰ - ۹۱.

²¹ . منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، کتاب التجارة، ص ۱۰۱۲.

۷. والبغضاء: و کینه ایجاد نماید.
۸. و یصدکم عن ذکر الله: و شما را از یاد خدا باز دارد.
۹. عن الصلوة: و از نماز باز دارد.
۱۰. فهل انتم منتهون: آیا با این همه زیان و فساد خود داری خواهید کرد؟

لسان العرب به نقل از قول مجاهد می‌گوید :

كل شيء فيه قمار فهو من الميسر حتى لعب الصبيان بالجوز؛^{۲۲}

هر چه در آن قمار باشد میسر محسوب می‌شود حتی بازی کودکان با گردو. یعنی هر چیزی که در آن قمار باشد، میسر است و گفته شد که قمار، بازی با ابزار و آلات آن با عوض و گرو گذاری است؛ بنابراین، دلالت آیه بسیار روشن است.

مقدس اردبیلی می‌فرماید :

ثم اعلم ان ظاهر الآية تحريم الخمر و كل مسكر مطلقاً و كذا كل قمار و ميسر...؛^{۲۳}

بدان که ظاهر آیه بر حرمت خمر و هر مست کننده مطلقاً و همچنین هر قمار و میسر دلالت می‌نماید.

آیه دیگری که دلالت بر حرمت این قسم از مسابقات دارد، این آیه شریفه است :

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا)؛^{۲۴}

درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو : «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است».

علاوه بر ظاهر این آیات، روایات رسیده در تفسیر آنها نیز هستند؛ مانند خبر ابراهیم بن عنبسه :

^{۲۲} . لسان العرب، ج ۵، ص ۲۹۸.

^{۲۳} . زبدة البيان في احكام القرآن، ص ۶۳۱.

^{۲۴} . سوره بقره، آیه ۲۱۹.

و عن حمدويه، عن محمد بن عيسى قال: كتب ابراهيم بن عنبسه يعني الى علي بن محمد^٧ ان رأى سيدى و مولاي ان يخبرنى عن قول الله - عزوجل - (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ) الآية، فما الميسر - جعلت فداك - ؟ فكتب: كلما قומר به فهو الميسر و كل مسكر حرام؛^{٢٥}

درباره ميسر در آيه شريفه از امام هادى^٧ در نامه‌اى سؤال شد و حضرت در جواب نوشتند :

هر چيزى كه با آن قمار شود، ميسر است و هر مست كنده‌اى حرام .
يا خبر ابى الجارود در تفسير آيه «انما الخمر و الميسر ...» از امام باقر^٧ نقل مى‌كند كه :

و اما الميسر فالنرد و الشطرنج و كل قمار ميسر و...؛^{٢٦}

و اما ميسر، نرد و شطرنج و هر قمارى ميسر است و...
ب. روايات

اما روايات دلالت كنده بر حرمت بازي و مسابقه با ابزار و آلات قمار با گرو گذارى و عوض مستفيض، بلكه متواترند.^{٢٧} علاوه بر دو روايت ذكر شده، به چند روايت ديگر نيز اشاره مى‌كنيم :

صحیحة محمد بن مسلم، عن احدهما^٨ قال : «لا تصلح المقامرة و لا النهبة»؛^{٢٨}

قمار و غارت اموال، سزاوار و به صلاح نيست.
اين سخن قابل پذيرش نيست كه «لا تصلح» اعم از حرمت و كراهت است؛ چون متعلق «لا تصلح» چيزى است كه دلالت بر حرمت مى‌كند و آن «نهبه» يعنى غارت اموال است كه نمى‌توان در مورد آن، حكم به كراهت نمود. پس، به قرينه مجاورت، حكم به حرمت مقامره مى‌شود.
موثقه سكونى، عن ابى عبدالله^٧ قال :

²⁵ . وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٣٢٥؛ تفسير العياشى، ج ١، ص ١٠٥.

²⁶ . وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٣٢٢.

²⁷ . المكاسب المحرمة، ص ٤٧.

²⁸ . الكافى، ج ٥، باب القمار و النهبة، ص ١٢٣.

كان ينهى عن الجوز يجيء به الصبيان من القمار ان يؤكل و هو
سحت؛²⁹

حضرت از خوردن گردوهایی که کودکان از قمار حاصل می‌کردند، نهی نموده
و فرمودند حرام است.

صحيحه و شاء، عن ابي الحسن^۷ قال سمعته يقول :
الميسر هو القمار؛³⁰

ميسر همان قمار است.

بنابر آنچه گفته شد، حرمت صورت اول مسابقات، یعنی برد و باخت
با ابزار و آلات قمار با شرط عوض و گروگذاری، از ضروریات فقه و
قدر متیقن از آیات، روایات و اجماع است.

مسابقه و بازی با ابزار و آلات قمار بدون عوض و گرو گذاری

حرمت این قسم از بازی‌ها و مسابقات مثل بازی برای سرگرمی با
شطرنج و ورق که امروزه هم خیلی رایج و مورد ابتلاست - از
دیدگاه برخی از بزرگان مانند فقیه دقیق و متقی، مرحوم سید احمد
خوانساری؛ مورد تشکیك قرار گرفته است؛ آنجا که می‌فرماید :
اللعب بآلات القمار من دون رهن قد يشك في حرمة...؛³¹

حرمت بازی با آلات قمار، بدون عوض و گرو گذاری، مسلم نبوده و مورد
تشکیك است.

همچنین مقدس اردبیلی؛ می‌فرماید :

²⁹ . همان .

³⁰ . همان، ص ۱۲۴ .

³¹ . جامع المدارك في شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۸ .

ثم اعلم ان ظاهر الآية تحريم الخمر و كل مسكر مطلقاً و كذا كل قمار و ميسر لكن مع اخذ الرهن...^{۳۲}؛

بدان که ظاهر آیه بر حرمت خمر و هر مست کننده مطلقاً و همچنین هر قمار و ميسر (بازی با ابزار و آلات قمار) به شرط عوض و گرو گذاری دلالت می‌نماید.

شیخ انصاری؛ نیز می‌فرماید :

در اینکه بازی با آلات قمار اما بدون عوض و گرو گذاری را جزء مصادیق قمار بشماریم، تأمل و نظر است.^{۳۳}

البته شطرنج و نرد را از این قاعده مستثنا کرده و مطلق بازی با آنها را جایز نمی‌دانند.

برای جواز و حلیت این قسم مسابقات به اصل و قصور ادله حرمت از این قسم بازی‌ها استدلال می‌شود :

قصور آیات^{۳۴}

الف. آیه شریفه :

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا)؛^{۳۵}

درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو : «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است».

این آیه در خود، قرینه دلالت کننده بر حرمت مال و عوض دارد و این آیه به جوهری که ذیلاً اشاره می‌شود، قاصر از دلالت بر حرمت فعل بازی و مسابقه است :

³² . زبدة البيان في احكام القرآن، ص ۶۳۱.

³³ . المكاسب المحرمة، شيخ انصاری؛، ص ۴۸.

³⁴ . از آنجا که ما آیه (لا تأكلوا اموالكم بينكم بالباطل) را حتی

دلیل حرمت در قسم اول نمی‌دانستیم، چون آیه تنها دلیل بر حرمت اکل مال است و هیچ دلالتی بر حرمت فعل ندارد، در اینجا نیز متعرض این آیه

نمی‌شویم.

³⁵ . سوره بقره، آیه ۲۱۹.

۱. منسب‌بق به ذهن از منافع «میسر» همان منفعت مالی و مادی آن است؛ چنان‌که متعارف از منافع خمر نشنگی و با نشاط شدن است، هر چند منافع این دو اعم از این‌هاست؛ اما متبادر به ذهن در خمر منفعت روحی و در قمار منفعت مالی است.

۲. این سخن هم قابل پذیرش نخواهد بود که منفعت اعم از منفعت مالی و سرگرمی و تفریح در این گونه مسابقات است؛ چرا که ظاهر از میسر به قرینه وحدت سیاق، منفعت مالی و مادی آن است؛ چون خمر عین است، پس میسر هم عین باید باشد.

۳. این که مقتضای اشتقاق «میسر» - که از یسر گرفته شده - آن میسری است که در آن منفعت مالی در کار باشد؛ چنان که در عبارت مقدس اردبیلی؛ به آن تصریح شده است: «علی ما فهم من اشتقاقه...»^{۳۶} که این

عبارت اشاره به کلام زمخشری در الکشاف دارد و مرحوم مقدس؛ خود نیز این گونه به آن اشاره می‌فرماید :

قال فی الکشاف: المیسر القمار، مصدر من یسر کالموعد و المرجع عن فعلهما، ... و اشتقاقه من الیسر لأنه اخذ مال رجل بیسر و سهولة من غیر کد و تعب او من الیسار لانه سلب یساره؛^{۳۷}

زمخشری در الکشاف می‌گوید: میسر قمار است، مصدری از ریشه یسر مانند موعد از «وعد» و مرجع از «رجع»... و اشتقاق آن بدین جهت است که فرد برنده به سهولت و آسانی و بدون رنج و تلاش، مالک عوض از مالباخته می‌شود و اگر ریشه آن یسار باشد، بدین جهت است که توسط آن سلب آسایش مالباخته می‌شود.

پس همان‌طور که گفتیم، پایه و رکن میسر جهت مالی آن است.
ب. آیه‌ای که می‌فرماید :

(إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ)؛^{۳۸}

شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه

³⁶ . زبدة البیان فی احکام القرآن، ص ۶۳۱.

³⁷ . همان، ص ۶۲۸؛ الکشاف، ج ۱، ص ۲۶۱.

³⁸ . سوره مائده، آیه ۹۱.

ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟! این آیه علت حرمت را ایجاد عداوت و بغض از طرف شیطان بیان کرده است. این ادعا برای جایی صحیح است که مالی در بین باشد؛ زیرا این مال است که از دست دادن آن و یا به دست آوردن آن موجب دشمنی و کینه می‌شود و الاً صرف سرگرمی و تفریح موجب این مسائل نمی‌شود و تمام مفاسد در بازی با عوض است؛ چنان‌که به این نکته نیز مرحوم سید احمد خوانساری؛ اشاره کرده است.^{۳۹} پس این آیه هم قاصر از دلالت بر حرمت لعب به آلات و ابزار قمار بدون عوض است.

قصور روایات

روایات دلالت کننده بر حرمت قمار و میسر شامل این نحوه از لعب؛ یعنی بدون عوض نمی‌شود؛ چنان‌که مرحوم شیخ انصاری؛ به این مطلب تصریح فرموده است و ما قبلاً به آن اشاره کردیم :

الثانية اللعب بالآلات القمار من دون رهن، و فی صدق القمار علیه نظر لما عرفت، و مجرد الاستعمال لا یوجب اجراء احكام المطلقات و لو مع البناء علی اصالة الحقيقة فی الاستعمال لقوة انصرافها الی الغالب من وجود الرهن فی اللعب بها؛^{۴۰}

قسم دوم، بازی با آلات قمار بدون عوض است که در صدق قمار بر آن محل تأمل و نظر است. و این‌که قمار در این معنا و مفهوم به‌کار رفته (صرف استعمال) موجب اجرای احکام ادله مطلق قمار بر آنها نمی‌شود؛ اگر چه قایل به اصالت حقیقت در استعمال لفظ شویم؛ چون این ادله به آن مواردی که در آنها عوض و گروگذاری باشد، منصرف‌اند. همان‌طور که از برخی لغوی‌ها نقل شده^{۴۱} آنها قمار را به مواردی که بازی با آلات قمار با عوض باشد، اختصاص داده‌اند.

اگر اشکال شود که بازی با آلات و ابزار قمار، تقویت باطل و وهن

³⁹ . جامع المدارك فی شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۸.

⁴⁰ . المكاسب المحرمة، شیخ انصاری، ص ۴۸.

⁴¹ . مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۶۳.

حق است، چنان‌که مرحوم امام خمینی؛ به نقل از مرحوم علامه مجلسی؛ این طور فرموده‌اند،^{۴۲} در جواب خواهیم گفت که بازی با این آلات برای تفریح و سرگرمی برای جلوگیری از ارتکاب قمار واقعی (بازی با عوض) و یا سایر محرمات، واقعاً باعث تضعیف حق و تقویت باطل نخواهد بود؛ خصوصاً اگر اغراض عقلایی در آن نهفته باشد.

با قصور ادله حرمت از شمول این مورد و اصل اباحه، حلیت قسم دوم از مسابقات، یعنی بازی و مسابقه با آلات و ابزار قمار بدون عوض و گروگذاری متصور خواهد بود.

مسابقه با غیر آلات قمار با عوض و گروگذاری

این مسابقات خود به دو گروه تقسیم می‌شوند :

۱. آنچه که در شرع مقدس از آن به عنوان مسابقات جایز نام برده شده و بر گروگذاری در آنها نیز صحه گذاشته است.
۲. آنچه که شرع مقدس در خصوص آن ساکت است و هیچ تعرض و تصریحی در روایات نسبت به آنها نمی‌بینیم.

همان‌طور که می‌دانیم در صدر اسلام، چه در زمان پیامبر اسلام^۹ و چه بعد از وجود مبارك حضرتش، مسلمانان با جنگ‌های زیادی روبه‌رو شدند. این موقعیت ایجاب می‌کرد که مسلمانان، چه از نظر ابزار و وسایل دفاعی و جنگی و چه از نظر قوای فکری و بدنی در شرایط مناسب و آمادگی رزمی خوبی قرار داشته تا در وقت مناسب و گاه لزوم جنگ یا دفاع، از توانایی لازم برخوردار باشند. از این رو

۴۲. المكاسب المحرمة، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۰؛ تحف العقول، ص ۳۳۳.

است که خداوند تبارک و تعالی خطاب به مؤمنین چنین می‌فرماید :
(وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَنْطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَعَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ)؛⁴³

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان)، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما باز گردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد.

از آیه فوق يك اصل کلی و قانون همیشگی مبنی بر ترویج و تشویق بر داشتن آمادگی رزمی و بالا بردن توانایی‌های نظامی و قوای دفاعی و رزمی مسلمانان برداشت می‌شود. ضرورت توانمندی در برابر دشمن يك اصل ثابت و تغییرناپذیر است. این ضرورت در زمانی بیشتر در سوارکاری و تیراندازی بود و اکنون دیگر بسیاری از عوامل مؤثر در قدرت و قوت جوامع تغییر کرده است. اگر روزی آن را در داشتن سربازان، اسبان و تیراندازهای بیشتر و قوی می‌دانستند، اکنون قدرت يك جامعه را علاوه بر داشتن قوای نظامی و ابزار و آلات متناسب و به روز، بالا بودن سطح دانش آن جامعه و وسعت و گسترش و برخورداری همه افراد آن از علم و در برخورداری تك تك افراد از فن‌آوری و دانش روز و جایگاه و نحوه تعامل دیگر جوامع در ابعاد بین المللی با آن می‌دانند؛ چرا که حتی برخورداری از قوای نظامی بیشتر، سرچشمه گرفته از داشتن قوای فکری و علمی بیشتر است و بین این دو وابستگی بسیاری است. بنابراین، به نظر می‌رسد با تغییر مقتضیات زمان و مکان، آمادگی و تقویت در برابر دشمنان نیز دارای مصادیق متفاوت از آن زمان‌هاست و در نتیجه، آمادگی در این جهات نیز ضروری و مورد لزوم است. الآن این پرسش مطرح است که آیا در شرایط کنونی، میزان قدرت و توانایی کشورها را به میزان توانمندی آنها در سوارکاری و تیراندازی می‌سنجند و

43 . سوره انفال، آیه ۶۰.

یا ملاک قدرت در بین آنها به میزان بهره‌مندی افراد و بالاخص جوانان از فن‌آوری روز، بهره‌مندی آنها از علوم مختلف روز و میزان رفاه و آسایش تک تک افراد جامعه است؟

امروزه، به واقع، هر کشوری از گسترش هر چه بیشتر علم و فن‌آوری در بین ملت خود و خصوصاً جوانان بهره‌مندی فزون‌تری داشته باشد، از قدرت بالاتری برخوردار است. پس آن ضرورت مورد اشاره در آیه ایجاب می‌کند که مسلمانان نیز خود را به این قدرتها و امکانات و ابزار و آلات لازم آن، مجهز نمایند و از اسباب و مقدمات مهم رسیدن و تجهیز به این امور، برگزاری مسابقات با در نظر گرفتن جوایز ارزشمند برای تشویق و ترغیب یا شناسایی افراد نخبه است. پس آیا از این آیه - که بر اصل ثابت و تغییر نیافتنی لزوم آمادگی همیشگی در برابر دشمنان تأکید می‌کند - می‌توان بر جواز این نحوه از مسابقات استفاده کرد؟

به هر حال، روایات بسیاری در جواز مسابقاتی مثل سوارکاری، تیراندازی رسیده که علاوه بر اصل جواز این مسابقات، شرط‌بندی و گروگذاری در آنها را جایز می‌شمارند. ما به خاطر کوتاهی مجال و روشنی و کثرت روایات دلالت‌کننده بر جواز از ذکر آنها صرف نظر می‌نماییم. چنان‌که در اول بحث گفتیم فقهای عظیم الشان کتابی را در فقه به نام «کتاب السَّبْق و الرِّمَایَه» به این موضوع اختصاص داده و به طور مفصل به بحث درباره آن پرداخته‌اند.

ما در اینجا در صدد آن هستیم تا به یک سؤال مهم پاسخی مناسب دهیم. آن سؤال این است که در حال حاضر، با توجه به گسترش مسابقاتی مانند حفظ و قرائت قرآن، خطاطی، مسابقات ورزشی مختلف، فوتبال، والیبال، کشتی و تکواندو و مسابقات علمی متعدد در بین مسلمانان، این مسابقات چه حکمی دارند و درآمد حاصل از آنها نیز چه حکمی خواهد داشت؟

با بررسی ادله قایلان به حرمت و اثبات ناتمامی آنها بر آنیم تا راه حلی بر این مسأله مورد نیاز ارائه نماییم.

۱. اجماع

یکی از ادله حرمت، اجماع است؛ چنان‌که سید علی طباطبایی؛ صاحب

رياض آن را نقل کرده و حجت هم می‌داند :
فالمنع اظهر، لحجية الاجماع المنقول، سيما مع التعدد، و الاعتضاد
بالشهرة، و...؛⁴⁴

حرمت ظاهرتر است؛ چون اجماع منقول در این موضوع، خصوصاً با تعدد و
تکرار نقلها حجت است.
اشکالی که به این اجماع وارد است، آن است که اجماع در يك مسأله
اجتهادی بوده و بعید نیست ناشی از همان مسائل اجتهادی باشد و
همان‌طور که در جای خودش ثابت شده، اجماع مدرکی حجت نیست و باید
مدرک این اجماع، مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. حضرت امام
خمینی؛ نیز به این مسأله اشاره فرموده‌اند :
لكن الاعتداد بها لا يجوز....⁴⁵

اشکال دیگر ایشان به این اجماع این است که شاید نقل این اجماع،
از اجتهاد در کلمات اصحاب حاصل شده باشد؛ به این معنا که
استظهار حرمت تکلیفی از آرا و فتاوی آنها شده باشد، در صورتی
که مراد همه ایشان و یا حداقل بعضی از ایشان حرمت وضعی است؛ پس
نقل اجماع و یا نقل این‌گونه عدم خلاف اعتباری ندارد.⁴⁶

۲. صدق مفهوم قمار

دلیل دوم قایلان حرمت، این است که یکی از مصادیق و موارد قمار،
همین‌گونه مسابقات است و عنوان قمار هم بر این بازی‌ها صدق
می‌کند. مستدل به این دلیل هم مرحوم سید علی طباطبایی؛ در ریاض⁴⁷
و

به دنبال ایشان مرحوم آقای خویی؛ در مصباح الفقاهه است :
صدق مفهوم القمار عليه بغير عناية و علاقة، فقد عرفت ان الظاهر

⁴⁴ . رياض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۸.

⁴⁵ . المكاسب المحرمة، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۳.

⁴⁶ . همان.

⁴⁷ . رياض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

من اهل العرف و اللغة ان القمار هو الرهن على اللعب بأى شيء
كان؛⁴⁸

مفهوم قمار بر این بازی‌ها بدون مشکل و احتیاج به قرینه صدق می‌کند و همان‌طور که قبلاً گفته شد، ظاهر کلمات اهل لغت و عرف بر این بود که قمار عبارت است از بازی و مسابقه با گروگذاری با هر چیزی.

اولاً، بر هر متتبعی روشن است که حتی اگر بر فرض، قمار بر بازی با آلات قمار بدون عوض صدق کند؛ قطعاً بر این موارد صدق نمی‌کند. اما از جهت لغوی - که از بعض لغوی‌ها نقل شد - قمار فقط به بازی‌های با آلات قمار با عوض گفته می‌شود⁴⁹ و

بعضی دیگر هم بدون عوض را، از آن شمرده‌اند. و شمول آن بر این موارد بسیار مشکل است. و اما از جهت عرفی، ما سراغ نداریم که به مسابقاتی مثل دویدن، کشتی، خطاطی و حفظ و قرائت قرآن، کسی لفظ قمار بازی را اطلاق کرده باشد.

ثانیاً، اگر از اشکالات اول صرف نظر کنیم و حرمت مسابقه با عوض و گروگذاری با هر چیز و شیئی را بپذیریم، این اشکال مطرح می‌شود که مسابقاتی چون دویدن، فوتبال و کشتی فعل و عمل است، و لیکن آن تعریفی که ارائه شد، مسابقه با شیء و آلت را مشکل می‌دانست؛ شاید «حتی الکعب و الجوز»⁵⁰ اشاره به همین دارد. شاهد بر این مطلب که

اینها از موارد قمار نیست، عبارتی است که در ادامه ایشان می‌فرماید :

و اذا صدق عليه مفهوم القمار شملته المطلقات الدالة على حرمة القمار و الميسر و الازلام، و حرمة ما اصيب به من الاموال غاية الامر ان الموارد المنصوصة في باب السبق و الرماية قد خرجت عن هذه المطلقات؛⁵¹

48 . مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۷۵.

49 . مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۶۳.

50 . الكافي، ج ۵، ص ۱۲۲.

51 . مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۷۵.

وقتی این بازی‌ها از مصادیق قمار به شمار آیند، مشمول ادله مطلق حرمت قمار شده، در نتیجه، اموال حاصل از آن نیز حرام خواهد بود. و مواردی که در باب سُبُق و رمایه هست، از این ادله با ادله دیگری - که همان روایات است - خارج شده‌اند.

محل شهادت این است که لسان ادله حرمت قمار، آبی از تخصیص است و آن شدت و حدت در حرمت، تخصیص بردار نیست. همان‌طور که گفتیم آیه :

(إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)؛^{۵۲}

شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!

به وجوه مختلف دلالت بر حرمت می‌کرد و

شاید کمتر آیه‌ای در بیان حرمت با این شدت

و عظمت و منفوریت آمده است. آیا این لسان و این شدت لحن قابل تخصیص است، که بگوییم قمار بازی به شدت حرام، اما قمار بازی در سه مورد اشکال ندارد؟

۳. روایات

روایاتی که شیخ به آنها استدلال فرموده است :

۱. خبر علاء بن سیابه :

قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَا بَأْسَ بِشَهَادَةِ الَّذِي يَلْعَبُ بِالْحَمَامِ وَ لَا بَأْسَ بِشَهَادَةِ صَاحِبِ السَّبَاقِ الْمُرَاهِنِ عَلَيْهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَدْ أُجْرِيَ الْخَيْلَ وَ سَابَقَ وَ كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُ الرَّهَانَ فِي الْخُفِّ وَ الْخَافِرِ وَ الرَّيْشِ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ قِمَارٌ حَرَامٌ؛^{۵۳}

شهادت کبوترباز مورد قبول است و همین‌طور کسی که بر آن شرط بندی و گروگذاری نماید. همانا رسول خدا اسبها را به راه انداخت و مسابقه

⁵² . سوره مائده، آیه ۹۰.

⁵³ . وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۴۱۳.

داد و می‌فرمود: در مسابقه و شرط بندی بر شتردوانی، اسب سواری، و کبوتر بازی یا تیراندازی ملائکه حاضرند و هر چه غیر از این قمار و حرام است.

دلالت این روایت قابل خدشه نیست و در این که مسابقه‌های با عوض حرام است، مانند نص است؛ لکن ضعف سند دارد؛ چون علاء بن سیابه مجهول است.^{۵۴}

۲. خبر علاء بن سیابه :

... ان الملائكة لتنفر عند الرهان و تلعن صاحبه ما خلا الحافر و الخف و الريش و النصل...^{۵۵}

در مسابقه‌های با عوض و گروگذاری ملائکه حاضر نشده و بر مسابقه دهندگان لعن می‌فرستند، مگر اسب دوانی، شتردوانی، کبوتربازی و تیراندازی....

این روایت هم مثل روایت گذشته اولاً ضعف سند دارد و ثانیاً تنفر و لعنت ملائکه دلیل بر حرمت نیست و اعم از حرمت است.

حضرت امام خمینی - سلام الله علیه - می‌فرماید :

لعن خدا و ملائکه و رسول خدا ظهور در حرمت دارد. وقتی ملائکه لعن می‌کنند، یعنی کار حرام است و در قرآن قریب به چهل بار این واژه به کار رفته که همگی در امور یا اشخاصی است که عذاب داشته‌اند؛ مثل کفار و منافقین، و در امور مکروه کاربرد نداشته است.^{۵۶}

لکن اشکال ما این است که اولاً در تمامی

موارد کاربرد لعن در قرآن، این افعال قبل از

تعلق لعن به آنها حرمتش روشن و واضح بوده است،

⁵⁴ . معجم الرجال الحديث، ج ۱۱، ص ۱۷۲.

⁵⁵ . وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۴۱۳.

⁵⁶ . المكاسب المحرمة، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۳.

و این طور نیست که با لعن حرمت آنها ثابت

شده باشد. ثانیاً لعن یعنی طلب دوری از رحمت،

و ما مدعی هستیم طلب دوری از رحمت، دلیل

بر حرمت نیست، با کراهت هم می‌سازد، شاهد

آن هم، روایاتی است که در موارد مکروه وارد شده است؛ مثل :
**لعن الله ثلاثة؛ آكل زاده وحده، و راكب الفلاة وحده، والنائم في
بيته وحده؛**^{۵۷}

سه نفر مورد لعن خداوند هستند: ۱. کسی که به تنهایی غذا خورد؛ ۲. کسی
که به تنهایی در بیابان پای نهد؛ ۳. کسی که تنها در خانه بخواهد.
ان رسول الله^۹ لعن الخامشة وجهها، و الشاقة جيبها، و الداعية
بالويل و الثبور؛^{۵۸}

رسول خدا^۹ بر چند کس از زنان لعن فرستاد : آن که بر صورتش چنگ
اندازد، آن که گریبان بدرد و آن که به ناله و نفرین و هلاکت و زیان
دعا کند.

لعن رسول الله^۹ النائحة و المستمعة؛^{۵۹}

رسول خدا^۹ بر نوحه‌گر و شنونده آن لعنت فرستاد.

۳. ما عن ياسر الخادم، عن الرضا^۷ قال: سألتُهُ عن الميسر. قال:
التفل من كل شيء قال الخبز و التفل ما يخرج بين المتراهنين من
الذراهم و غيره.^{۶۰}

57 . وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۳۳.

58 . مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۵۲.

59 . همان، ص ۴۵۳.

60 . وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۶۷.

این روایت نیز، هم ارسال دارد و هم یاسر خادم وثاقتش ثابت نیست.^{۶۱}

۴. صحیحہ معمر بن خلاد :

و کل ما قومر علیه فهو میسر.^{۶۲}

هر چیزی که بر آن شرطبندی و گروگذاری شود میسر است.

۵. خبر جابر :

عن ابی جعفر^۷ قیل: یا رسول الله! ما

المیسر؟ فقال: کل ما تقومر به حتی الکعب و الجوز.^{۶۳}

از رسول خدا^۹ درباره میسر سؤال شد، فرمود :

هر چه به آن قمار شود؛ حتی قاب و گردو.

شیخ استدلال را این طور بیان می‌فرماید :

و الظاهر ان المقامرة بمعنی المغالبة علی الرهن؛^{۶۴}

مقامره در برتری جویی بر عوض و گرو ظهور دارد.

وجه استدلال در این دو روایت این است: از آنجا که مقامره به

مطلق مسابقه بر عوض و گرو گفته می‌شود، این دو حدیث بر حرمت

عمومیت دارند. ضعف استدلال نیز بسیار روشن است؛ چرا که مقامره

در مسابقات به عوض با آلات قمار ظهور دارد، نه در مطلق مغالبه؛

ضمن این که در خبر جابر، عمرو بن شمر ضعیف است.^{۶۵}

طبق آنچه گذشت، به طور خلاصه، به چند وجه در این روایات استدلال

⁶¹ . تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۰۷.

⁶² . همان، ص ۳۲۳.

⁶³ . الکافی، ج ۵، ص ۱۲۲.

⁶⁴ . المكاسب المحرمة، شیخ انصاری، ص ۴۸.

⁶⁵ . معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۱۰۶.

شده است :

۱. عمومیت قمار و اینکه این نحوه از مسابقات از مصادیق قمار است، که ما گفتیم قمار فقط بر مسابقات با آلات قمار با عوض صادق است.

۲. لعن ملائکه دلیل بر حرمت است، که ما این ادعا را نیز رد کردیم.

۳. با استفاده از روایت «حتی الکعب و الجوز» استدلال می‌شد این روایت در مقام بیان حرمت هر مسابقه با هرچیز است، که ما در جواب آوردیم این روایت نهایتاً می‌خواهد بگوید که مسابقات با اشیایی مثل اینها اشکال دارد و ربطی به مسابقات با افعال و اعمال، مثل کشتی، خطاطی و مسابقات حفظ و قرائت قرآن ندارد. به علاوه، این اخبار عموماً با ضعف سند روبه‌رو هستند.

۴. آیات

آیه شریفه :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَلْوَارِجُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)؛⁶⁶

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!

(إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ)؛⁶⁷

شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟! استدلال به این آیه‌ها به دو تقریب است :

الف : ازلام: برای روشن شدن وجه استدلال ابتدا ازلام را توضیح می‌دهیم. ازلام قمار عربی را می‌گویند که عبارت است از انداختن چوبه تیر، که به آن اقلام هم گفته می‌شود. و اما چگونگی این بازی

66. سوره مائده، آیه ۹۰.

67. سوره مائده، آیه ۹۱.

این‌طور بوده که شتری را می‌خریدند و نحر می‌کردند، و آن را بیست و هشت قسمت می‌کردند، آنگاه ده چوبه تیر - که یکی نامش فذ، و دوم توأم، و سوم رقیب و چهارم حلس، و پنجم نافس، و ششم مسبل، و هفتم معلی، و هشتم منیح، و نهم سنیح، و دهم رغد، بود - قرار می‌دادند، و همه می‌دانستند که از این بیست و هشت سهم يك جزء سهم فذ است، و دو جزء سهم توأم، و

سه جزء سهم رقیب، و چهار جزء سهم حلس و پنج قسمت سهم نافس، و شش سهم از آن مسبل، و هفت قسمت - که از همه بیشتر است - از آن معلی است، و هشتم و نهم و دهم سهم نداشتند. آنگاه به شکل بخت‌آزمایی دست می‌بردند، و یکی از آن ده تیر را بیرون می‌آوردند، اگر فذ بیرون می‌شد، يك سهم از بیست و هشت سهم را به کسی که فذ را به نامش بیرون آوردند، می‌دادند و اگر توأم بیرون می‌شد، دو سهم، و همچنین و اگر یکی از سه چوبه منیح و سفیح و رغد به نام کسی درمی‌آمد، چیزی از آن سهام عایدش نمی‌شد؛ با این که صاحبان این سه سهم در دادن پول شتر شرکت داشتند و این عمل همیشه میان ده نفر انجام می‌شد، و در تعیین این‌که چه کسی صاحب فذ، و چه کسی صاحب توأم و یا آن هشت چوبه دیگر باشد، با قرعه تعیین می‌کردند.⁶⁸

استدلال به اِزلام به الغای خصوصیت از اِزلام

به مطلق مسابقات به غیر آلات با عوض است؛ یعنی نه شتر و نه سهام خصوصیت دارد؛ يك نفر گوشت می‌برده و يك کسی هم می‌باخته است؛ شیئی را کسی مالک می‌شده و کسی هم ضرر می‌دیده است و در این مسابقات هم دقیقاً به همین شکل است؛ بنابراین، اینها هم باید حرام باشد.

اما این استدلال ناتمام است؛ زیرا :

اولاً، اِزلام قمار عربی است و ذکرش در این جا از باب متعارف و

68 . المیزان، ج ۲، ص ۱۹۲.

مورد ابتلای آن روز بوده است. قرآن هم – که در جامعه عرب و به زبان عربی نازل شده – عنایت داشته و این مورد را به عنوان یکی از موارد قمار ذکر کرده است؛ هم‌چنان که کلام علامه طباطبایی؛ در این معنا صراحت داشت.

پس در این صورت، یعنی وقتی ازلام از عناوین قمار شد، الغای خصوصیت از قمار به هر مسابقه و بازی حتی بدون آلات قمار درست نیست.

ثانیاً، بر فرض الغای خصوصیت، باید آنچه را که از آن الغای خصوصیت می‌کنیم به آنچه می‌خواهیم حکم را به آن تسری دهیم، شباهت داشته باشد. پس بنابراین از ازلام – که آلات و ادوات بوده – الغای خصوصیت به مسابقه خوشنویسی – که مسابقه

در افعال و اعمال است – نمی‌توان کرد؛ یعنی اگر

در این جا هم ابزار و آلات و وسایلی در کار بود، الغای خصوصیت ممکن بود، ولی در غیر این صورت چنین چیزی قبیح است.

پ: تمسك به عموم علت در آیه است :

(إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ)؛⁶⁹

شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند.

بگوییم در تمام مسابقات و بازی‌ها، عداوت و بغضا وجود دارد، و «العلة تعمم كما أنّها تخصص». (علت، همانطور که باعث اختصاص حکم فقط در موارد وجود علت می‌شود، باعث تعمیم و تسری حکم در تمام موارد وجود علت نیز می‌گردد). پس بنابراین، همه مسابقه‌های با عوض و گرو گذاری حرام است.

اشکالی که در این استدلال وجود دارد، این است که در مسابقه‌ها، آن عداوتی که در خمر و میسر است، وجود ندارد. خمر با عداوت و بغضا ملازمه دارد، طبع خمر عداوت است، طبع میسر کینه و عداوت

69 . سوره مائده، آیه ۹۱.

است؛ زیرا «من يعمل بالمیسر لا یتربح بمرّة»، (یک بار که باخت دست برنمی‌دارد، آن قدر بازی می‌کند تا حتی زن و بچه‌اش را هم می‌بازد). در روایات^{۷۰} هم به

این موضوع اشاره شده بود. به طور طبیعی،

این نحوه بازی بغض و عداوت می‌آورد. و این غیر از آن است که چند نفر خطاط یا فوتبالیست مسابقه بگذارند. بنابراین، عموم علت را قبول داریم، ولی این علت، در این نحوه از مسابقات جریان ندارد. اگر در جایی مسابقه‌ای پیدا شد که این علت، به حسب طبع، در آن جا می‌آمد، آن مسابقه هم حرام است. پس استدلال به این آیه شریفه هم تمام نیست.

حدیث «لاسبق»

یکی دیگر از وجوهی که به آن بر حرمت این گونه مسابقات استدلال شده، حدیثی است که از رسول الله^۹ به طرق عامّه و از امام صادق^۷ به صورت صحیح، به طرق خاصّه نقل شده است :

لا سبق إلا فی خف أو حافر أو نصل...؛^{۷۱}

هیچ مسابقه‌ای صحیح نیست، جز شتردوانی یا اسبدوانی و یا تیراندازی. قبل از ورود به بحث، ناچار به ذکر مقدمه‌ای هستیم و آن این که واژه «سبق» در این جا چگونه قرائت می‌شود. آیا قرائت به سکون باء صحیح است و یا به فتح باء؟ نظر به این که هر یک از اینها در خود معنا و مفهوم متغایر نسبت به یکدیگر دارند و منشأ آرا و فتاوی مختلف شده‌اند، تأمل و دقت بیشتری را می‌طلبد. مرحوم شهید ثانی؛ می‌فرماید :

و ربما رواه بعضهم بسکون الباء، و هو المصدر، أی لا یقع هذا الفعل إلا فی الثلاثة، فیکون ما عداها غیر جایز، و من ثمّ اختلف

⁷⁰ . الکافی، ج ۵، ص ۱۲۲.

⁷¹ . وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

فی المسابقة بنحو الأقدام، و رمى الحجر، و رفعه، و المصارعة، و بالآلات التي تشتمل على نصل، بغير عوض هل يجوز أم لا؟ فعلى رواية الفتح يجوز، و على السكون لا. و فى الجواز مع شهرة روايته بين المحذّثين موافقةً للأصل، خصوصاً مع ترتّب غرض صحيح على تلك الأعمال؛⁷²

بعضی آن را به سکون بآء روایت کرده اند که در این صورت معنای مصدر آن (مسابقه دادن) مراد خواهد بود؛ یعنی مسابقه دادن جز در آن سه مورد جایز نیست. به همین جهت در مسابقه‌هایی مانند دویدن، پرتاب سنگ، کشتی و مسابقه با چیزهایی که تیر در آنها به کار می‌رود، البته بدون گروگذاری و عوض، آراء و نظریات مختلف است؛ بدین معنا که اگر روایت فتح گزیده شود، این مسابقه‌ها جایز و بنابر روایت سکون، اینها غیر جایزند. از آنجا که روایت فتح مشهورتر می‌باشد، گزینش آن بهتر و از طرفی موافق با اصل هم هست؛ خصوصاً که اگر اهداف صحیح و مصلحت‌آمیز پشتوانه آن بوده باشد.

نیز مرحوم فیض کاشانی؛ در وافى چنین می‌آورد :

و السبق إن قرئ بتسكين الباء أفاد الحديث المنع من الرهان فى غير الثلاثة و إن قرئ بالتحريك، فلا يفيد إلا المنع من الأخذ و الإعطاء فى غيرها دون أصل المسابقة؛⁷³

و اگر به سکون بآء «سَبِق» خوانده شود، حدیث در صدد بیان حرمت مسابقه با عوض و گرو در غیر موارد سه گانه است و اگر محرک (به فتح با) خوانده شود، حدیث می‌خواهد بفهماند فقط گروگذاری اشکال دارد و اصل مسابقه بلامانع است.

اما صاحب ریاض؛ از این حدیث بر حرمت هر مسابقه‌ای، مطلقاً جز در موارد سه گانه استفاده می‌کند؛ آنجا که می‌گوید :

لعدم امکان ارادة نفي الماهية، فتحمل على اقرب المجازات و هو اما نفي جميع احكامها التي منها الصحة و المشروعية او نفيها

⁷² . مسالك الأفهام، ج ٦، ص ٧٠.

⁷³ . الوافى، ج ١٥، ص ١٥١.

منظور از نفی نمی‌تواند اراده نفی ماهیت مسابقه باشد، چون به هر حال مسابقه در بین مردم جاری و ساری است. حال که منظور نفی حقیقی نیست، پس باید بر نزدیکترین مجازها آن را حمل کرد. پس

منظور از این نفی، یا نفی همه احکام از جمله صحت و جواز مشروعیت است و یا منظور فقط نفی صحت و جواز مشروعیت است. که بر این مبنا هیچ مسابقه جایزی نیست، مگر در آن موارد سه گانه.

در برابر این نظر سختگیرانه يك نظریه کاملاً متفاوت از این حدیث استنباط شده است. مستنبط این رأی دقیق، فقیه محقق مرحوم مقدس اردبیلی؛ و به دنبال او مرحوم فاضل سبزواری؛ است. محقق اردبیلی؛ چنین می‌نویسد :

و لا دلالة فی الخبر علی الوجهین علی التحريم اما علی الأوّل فلما ذکر و لأنه قد یقال معناه ان لا لزوم أو لا یملك للسبق و العوض إلا فی هذه الثلاثة من بین الأسباق و الأفعال الّتی یسابق علیها، فلا یدلّ علی تحريم الفعل و الملاعبة مع العوض و الرهانة أيضا، بل لا یدلّ علی تحريم العوض أيضا؛^{۷۵}

در این خبر در هیچ يك از دو حالت (فتح و سکون) دلالتی بر حرمت نیست، اما بنابر

فتح، چون احتمال دارد این گونه معنا شود که لزومی در کار نیست، یا ملکیتی بر گرو و عوض حاصل نمی‌شود، مگر در همین سه مورد از مسابقات. پس دلالتی بر حرمت اصل بازی و مسابقه حتی با عوض را ندارد، بلکه از این هم بالاتر دلالتی بر تحریم عوض و گرو هم ندارد.... محقق سبزواری؛ در خصوص این حدیث می‌گوید :

⁷⁴ . ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۴۰.

⁷⁵ . مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۰، ص ۱۶۸.

و لا يخفى أنّ الخبر الأوّل على الوجهين لا يتعين معناه فيما ذكره، بل يحتمل غيره، فإنّه على الفتح يحتمل أن «لا لزوم» أو «لا تملك» أو «لا فضل» للسبق و العوض إلّا فى هذه الثلاثة من بين الأفعال الّتى يسابق عليها. و على هذا لا دلالة للخبر على تحريم الفعل و الملاعبة مع العوض أيضاً فى غير الثلاثة، بل لا يدلّ على تحريم العوض أيضاً. و على السكون يحتمل أن يكون معناه: لا اعتداد بسبق فى أمثال هذه الأمور إلّا فى الثلاثة. أو: لا فضل لسبق إلّا فى الثلاثة، فلا يكون دالّاً على التحريم؛⁷⁶

ایشان بعد از آن که انحصار معنای «سبق» را

در آنچه مرحوم شهید ثانی؛ نقل کرده رد می‌کند،

این چنین می‌گوید :

احتمالاً در قرائت فتح، منظور از «لا سبق» نفی «لزوم» یا «ملکیت» و یا «فضیلت» در غیر موارد سه گانه از افعال و اعمالی که بر آن مسابقه داده و گروگذاری می‌شود، باشد. در این صورت، دلیلی بر حرمت سایر مسابقه‌ها و عوض و گروگذاری در آنها نخواهد بود و بنا بر قرائت سکون، احتمال دارد این گونه معنا شود: اعتنا و اعتدادی در مسابقات به جز موارد سه گانه نیست یا فضیلت در هیچ مسابقه جز این موارد سه گانه نیست. در این صورت هم دلالتی بر تحريم سایر مسابقه‌ها نخواهد داشت. بر مبنای این دو بزرگوار مسابقه و گروگذاری در غیر موارد سه گانه معین در نصوص، نیز جایز است. به نظر ما هم این رأی به حقیقت نزدیکتر می‌نماید؛ از آن جهت که با حقیقت سهله و سمحه دین (مورد اشاره در حدیث نبوی) :

بعثنى بالحنيفية السهلة السمحة.⁷⁷

سازگارتر بوده و همچنین موافق اصل حلیت و جواز است، (البته بعد

⁷⁶ . كفاية الاحكام، ج ١، ص ٧١٨.

⁷⁷ . الكافي، ج ٥، ص ٤٩٤.

از بطلان ادله قایلان به حرمت) و نیز به عموماتی معتضد است؛ مثل :

المؤمنون عند شروطهم.^{۷۸}

و البته ناگفته نماند که نفی مفهوم فضل و کمال در روایت «لاسبق» مؤید است بر آنچه گفته می‌شود :

لا صلاة لجار المسجد الا في مسجده.^{۷۹}

که در واقع، نفی ماهیت و نفی صحت و جواز از نماز همسایه مسجد نمی‌کند، بلکه نفی کمال و فضل این گونه نماز را می‌نماید. و نیز می‌توان بر جواز و حلیت به آیه شریفه زیر تمسک کرد :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا ءَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ)؛^{۸۰}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد. با الغای خصوصیت از تجارت به هر چیزی از افعال و اعمال انسان‌ها که می‌تواند درآمد داشته و نزد عقلا باطل نیست، این مسابقات در بسیاری از موارد به لحاظ اغراض و اهداف عقلایی موجود در آنها باطل نبوده، پس جایز است؛ خصوصاً اگر اغراضی چون سلامتی قوای فکری و بدنی و تقویت بنیه فکری در پی داشته باشد. مرحوم صاحب جواهر - قدس سره - از منظر دیگری به این حدیث نگریسته و برداشت دیگری کرده است. حاصل کلام ایشان این است که «لا سبق» در صدد بیان عدم جواز سایر مسابقات (غیر موارد سه گانه) به عنوان عقد مسابقه است؛ چون شارع مقدس عقد مسابقه را در همین سه مورد قرار داده. پس اگر کسی بخواهد به عنوان مسابقه این کار را بکند، کار او خروج از حد شرعی است؛ اما اگر به عنوان دیگری، غیر از مسابقه بیاورد، دلیل بر حرمتش نداریم و

78 . وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۲۷۶.

79 . همان، ج ۵، ص ۱۹۴.

80 . سوره نساء، آیه ۲۹.

این حدیث ربطی به آن ندارد :
 لكن ينبغي أن يعلم أن التحقيق، الحرمة و عدم الصحة إذا أريد
 إيجاد عقد السبق بذلك، إذ لا ريب في عدم مشروعيته، سواء كان
 بعوض أو بدونه، و لو للأصل، فضلا عن النهي في خبر الحصر. أما فعله
 لا على جهة كونه عقد سبق، فالظاهر جوازه، للأصل و السيرة
 المستمرة على فعله في جميع الأعصار و الأمصار من الأعوام و
 العلماء؛⁸¹

رای صائبی حاصل از تحقیق این است که، اگر این مسابقات با نیت و عنوان
 عقد مسابقه برگزار شود، مطلقاً حرام و ناصحیح است؛ چه با عوض و چه
 بدون آن. این رای علاوه بر دلالت همین حدیث مطابق اصل هم هست؛ اما
 برگزاری آن نه در قالب و چارچوب عقد مسابقات، بلکه مطلق فعل بازی
 بدون عقد مسابقه به پشتوانه اصل و سیره مستمر مسلمین بر انجام این
 گونه مسابقات در زمانها و مکانهای مختلف در بین عالمان و غیر آنها،
 ظاهر این است که جایز باشد.

بعد ایشان پای را فراتر نهاده، می‌فرماید :
**بل لا یبعد جواز اباحتها علی العوض علی ذلك و الوعد به مع
 استمرار رضاهما به لا علی أنه عوض شرعی ملتزم؛**⁸²

بعید نیست بتوان قایل به جواز این مسابقات حتی با عوض شد؛ البته با
 استمرار رضایت طرفها بر دادن جایزه، بنا بر وفای به عهد و وعده، و
 نه در قالب یک عقد شرعی الزام آور بر پرداخت عوض در مسابقه.
 حقیقت مطلب این است که چنین برداشتی از این حدیث، تعبد بلاوجه
 است، و فهم این تعبد از این روایت عرفاً مشکل است؛ اگر نگوییم
 لغو است. چه فرقی می‌کند که مثلاً کشتی اگر به عنوان عقد مسابقه
 اجرا شود، حرام باشد، و اگر به عنوان عقد مسابقه اجرا نشد،
 همین مسابقه با حفظ تمام خصوصیاتش جایز و صحیح باشد؟
 این گونه موارد از قراردادهای عقلایی است، و در قراردادهای

⁸¹ . جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۲۲۱.

⁸² . همان، ص ۲۲۲.

عقلایی و بناهای عقلایی، تعبد به حرمت محتاج معونه زیاد است و بدون دلیل نمی‌شود قایل به حرمت چیزی شد؛ به عنوان مثال، خمر حرام است، چون مفسد زیادی دارد. اما بیع شیره، حلال است؛ چون مفسده ندارد، بلکه فوایدی هم دارد.

ثانیاً وقتی فرق بین حرمت و حلیت فقط به عقد السبق باشد، مردم برای این‌که کارشان را انجام دهند، بدون عقد السبق انجام می‌دهند، که در این صورت لغوی بودن پیش می‌آید.

شبهه آنچه امام خمینی؛ در باب ربا می‌فرماید. ایشان می‌فرماید: به حکم عقل می‌فهمیم حیل باب ربا درست نیست؛ برای این که شارع آمده يك جا ربا را به شدت حرام کرده و بعد خودش راه فرار از این حرمت شدید ایجاد می‌کند. این کار شارع موجب لغوی بودن در احکام می‌شود.⁸³

از آنچه تاکنون گفتیم روشن شد که، مسابقات به غیر آلات و ابزار قمار اگر عرفاً از مصادیق قمار به حساب آید، و قمار بر آن صدق کند، مثل طاق و جفت و یا شیر و خطی که برای برد و باخت بازی می‌شود، این گونه بازی‌ها غیر جایز و عوض و مالی که از آن حاصل می‌شود نیز حرام است. و اگر قمار صدق نکرد، ولی غرض عقلایی هم در آن نیست، هر چند حرمت تکلیفی ندارد، ولی موجب حرمت وضعی شده و تصرف در عوض و مال حاصل از آن خالی از اشکال نیست. دلیل حرمت وضعی، آیه «لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» است؛ چون این گونه موارد از مصادیق باطل عرفی است اما حرمت تکلیفی ندارد؛ چون هر لهُو و لعبی حرام نیست و برای اثبات حرمت لهُو و لعب احتیاج به دلیل خاص داریم. در نتیجه مسابقات و بازی‌ها با غیر ابزار و آلات قمار با عوض اگر از مصادیق قمار محسوب نشود و اغراض عقلایی هم در پی آنها باشد، هم جایز و هم موجب ملکیت و لزوم می‌شود و باید حق السبق پرداخت شود.

83 . کتاب البیع، امام خمینی، ج ۲، ص ۵۵۲ - ۵۵۳.

مسابقه با غیر آلات قمار بدون عوض و گروگذارى

مرحوم سيد احمد خوانسارى؛ درباره اين نحوه از مسابقات اين گونه مى‌فرمايد :

و الأكثر على ما حكي على التحريم بل ادّعي الإجماع عليه و الظاهر أنّ مدرکهم عموم النهي إلّا في الثلاثة، الخفّ و الحافر و النصل، و لفظ السّبِق في الرواية يحتمل أن يكون- محرکا بفتح الباء- و أن يكون بالسكون فعلى الأوّل يرجع إلى عدم تملّك العوض و الحرمة الوضعية، و على الثاني يرجع إلى الحرمة التکليفية بالنسبة إلى نفس الفعل، و مع الاحتمال لا مجال للحكم بالحرمة، بل مع احتمال السكون يمكن دعوى الانصراف إلى صورة المسابقة مع العوض، و لا مجال للاستدلال بحرمة اللّهُو و الباطل و قد يتعلّق بهذه الأفعال غرض صحيح مورد لتوجّه العقلاء به كحفظ الصّحة و تقوية البدن في المصارعة؛⁸⁴

بيشتر فقها، طبق آنچه نقل شده، قایل به حرمت در اين مورد هستند، بلکه ادعاى اجماع بر آن شده و ظاهرآ مدرک ایشان بر حرمت، همان عموم نهى از مسابقه جز در موارد سه گانه است. اگر در روايت «لا سبق» قرائت فتحه را بپذيريم، فقط دلالت بر عدم تملك و حرمت عوض مى‌کند (حرمت وضعى) و در روايت سکون، دلالت بر حرمت تکلیفى، يعنى نفس مسابقه. و با وجود اين احتمال، استدلال به اين روايت بر حرمت ناممکن مى‌شود؛ بلکه حتى بر فرض قرائت سکون، مى‌توان ادعا کرد حرمت تکلیفى هم منصرف به مسابقات با عوض باشد.

استدلال به حرمت لهو و لعب در اين موارد شايسته نيست؛ زیرا در برخى موارد به اين گونه افعال غرض عقلايى صحيح تعلق مى‌گيرد؛ مثل سلامتى و

84 . جامع المدارك، ج ۳، ص ۳۰

تقویت قوای بدنی در کشتی.

با توجه به آنچه گذشت، وضعیت صورت چهارم مسابقات یعنی بازی با غیر آلات و وسایل قمار، بدون عوض از دیدگاه ما نیز روشن می‌شود؛ چرا که به اولویت حکم جواز در اینجا صادر می‌شود و احتیاجی به بحث ندارد؛ چون ادله‌ای که برای حرمت به آن استدلال شده، همان ادله قمار و میسر است که صدق آنها در صورت سوم راحت‌تر و با معونه کمتری بود، ما نپذیرفتیم و رد کردیم، و استدلال به لهُو و لعب بودن این مسابقات نیز مردود است؛ زیرا اولاً، بسیاری از این افعال عرفاً و در واقع از مصادیق لهُو و لعب نیستند؛ خصوصاً اگر از اغراض و اهداف عقلایی برخوردار باشند؛ مثلاً مسابقات ورزشی که با هدف سلامتی، تقویت قوای فکری و بدنی، جلوگیری از اعتیاد و مفاسد متعدد دیگر برگزار می‌شود. بر فرض اگر هم از لهُو و لعب محسوب شود، هر لهُو و لعب را نمی‌توان گفت حرام است و احتیاج به دلیل خاص دارد؛ و الاً بسیاری از کارهایی که انجام می‌شود، باید حرام باشد.

نتیجه

بررسی دقیق و موشکافانه آیات و روایات ما را به این مسأله رهنمون می‌نماید که تنها مورد حرام از مسابقات، بازی با آلات و ابزار و وسایلی است که برای قمار ساخته شده است؛ آن هم در صورتی که برای برد و باخت و دست‌یابی به گرو و عوضی که برای این کار در نظر گرفته شده، انجام شود.

ادله حرمت قمار، چه آیات و چه روایات، بقیه اشکال مسابقات را

شامل نمی‌شود؛ یعنی بازی با آلات و وسایل قمار بدون برد و باخت و گرو گذاری، و بازی و مسابقه بدون ابزار و وسایل قمار، چه با عوض و گرو گذاری و چه بدون آن، محکوم به جواز است؛ چه این‌که آن دسته از آیات و روایات که لفظ قمار و میسر در آنها به کار رفته، گفته شد از جهت لغوی و عرفی تنها بر مورد اول – که همان بازی با ابزار و آلات قمار است – صدق می‌کند.

عمده دلیل در این مسأله، همان روایات وارد شده در «کتاب السبق» بود که عموماً انجام مسابقات جز در موارد سه گانه منصوص در روایات را جایز نمی‌دانست. همان‌طور که گفته شد، ما این روایات را نهایتاً دلیل بر نفی افضلیت در سایر مسابقات دانستیم و نظر به این‌که بیشتر این مسابقات از اغراض عقلایی و اهداف بسیار مفید، مانند ترویج و اشاعه فرهنگ اسلامی در ابعاد بین‌المللی، پرورش روح جوانمردی، کشف و شناسایی فرهیختگان و نخبگان در مسابقات علمی و جلوگیری از مفسد عظیمی چون اعتیاد و فحشا برخوردار هستند، قرار دادن آنها در زمره لهو و لعب و شمارش آنها از مصادیق لهو و لعب مورد نهی شارع مقدس، کاری دور از صلاح و ثواب به نظر می‌رسد.

کتابنامه

- . تحف العقول عن آل الرسول ۹، حسن بن علی بن شعبه حرّانی (قرن ۴ق)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین، ۱۴۰۴ق.
- . تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
- . تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، محمّد بن حسن الحرّ العاملی (م ۱۱۰۴ق)، قم: مؤسسه آل‌البت: لاهیات التراث، ۱۴۰۹ق.
- . تنقیح المقال، شیخ عبدالله المامقانی، نجف اشرف: مطبعة المرتضویة.

- . جامع المدارك في شرح المختصر النافع، سيد احمد خوانسارى، مؤسسة اسماعيليان للطباعة و النشر، ١٤٠٥ق.
- . جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، محمد حسن نجفى (م ١٢٦٦ق)، بيروت: دار احياء التراث العربى، هفتم.
- . رياض المسائل في تحقيق الاحكام بالدلائل، سيد على طباطبايى، قم: مؤسسة آل البيت: لاهياء التراث، ١٤١٨ق.
- . زبدة البيان في احكام القرآن، احمد بن محمد مقدس اردبيلى (م ٩٩٣ق)، قم: المكتبة الجعفرية لاهياء الآثار الجعفرية، اول.
- . صحيفه نور، امام خمينى، تهران: وزارت ارشاد اسلامى.
- . فرهنگ فارسى معين، دكتور محمد معين، تهران: مؤسسه انتشارات امير كبير، ١٣٨٠ش.
- . الكافى، ابو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكلينى (م ٣٢٩ق)، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٨ق/١٣٥٦ش، ٨جلد.
- . كتاب البيع، امام خمينى، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار الامام الخمينى.
- . كتاب المكاسب، شيخ مرتضى انصارى، دار الحكمة، ١٣٧٠ش.
- . الكشاف عن حقائق التنزيل، محمود بن عمر زمخشرى (م ٥٣٨ق)، بيروت: دارالكتاب العربى، سوم، ١٤٠٧ق.
- . كفاية الاحكام، محقق سبزوارى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين.
- . لسان العرب، ابن منظور، انتشارات دارالصادر.
- . مجمع البحرين، شيخ فخر الدين طريحي، تهران: كتاب فروشى مرتضى.
- . مجمع الفائدة والبرهان في شرح ارشاد الاذهان، احمد مقدس اردبيلى (م ٩٩٣ق)، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٠٣ق.
- . مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، زين الدين بن على بن احمد عاملى، قم: مؤسسة المعارف الاسلاميه، ١٤١٣ق.
- . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ميرزا حسين نورى (م ١٣٢٠ق)، قم: مؤسسة آل البيت، ١٤٠٨ق.
- . مصباح الفقاهة، سيد ابوالقاسم خويى (١٣١٧-١٤١٣ق).
- . معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، سيد ابوالقاسم خويى (١٣١٧-١٤١٣ق)، قم: مركز

نشر آثار شيعه، ١٤١٥ق.

. منتهى المطلب في تحقيق المذهب، علامه حلي، مطبعة الحاج احمد آغا و محمود آغا،

. ١٣٣٣ق.

. الميزان في تفسير القرآن، محمد حسين طباطبايي، مؤسسة اسماعيليان.